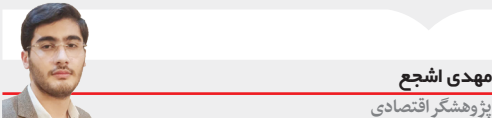


مراکز پژوهشی مستقل گمشده اقتصاد ایران



مهدی اشجع

پژوهشگر اقتصادی

اقتصاد علم‌ کمیابی است و مفهوم کمیاب بدون شک با عنصری به نام انتخاب بهینه همراه است و از آنجا که بهینه‌سازی نیز اصل اساسی و اول علم اقتصاد به شمار می‌رود، انتخاب بهینه مفهومی است که انسان اقتصادی فارغ از اختلافات دیدگاه‌های فلسفی در عقاید و نظامات اقتصادی، بدان پایبند است. اینجاست که درک صحیحی از انتخاب بهینه، تعریف کاملی از اقتصاد را به همراه خواهد داشت. این مهم درحالی است که انتخاب بهینه، گزاره‌ای تحت قیود فراوان ضمنی و زمانی و حتی اطلاعاتی است و در مقام عمل قابل بازتعریف در گسترده‌گی تفاوت افکار، سلاقی و ابعداد متفاوت افراد تحت‌عنوان مطلوبیت مطرح است. انتخاب بهینه در پی شناخت صحیح از گزینه بهینه، از شخصی به شخص دیگر کاملا متفاوت است، درعین حال ملزم اصولی است که در صورت بسط و پردازش، پاسخی بسپاری از مضلات و مشکلات علی و ارتباطی اقتصادها نیز خواهد بود.

انتخاب در مقام عمل بهینه‌مندان به مفهومی دیگر به نام امکان‌سنجی نیز همراه است. انسان اقتصادی براساس دایره اطلاعات مکشوفه خویش (در هر سطح و سبکی و فارغ از درست و غلط بودن آن) دست به امکان‌سنجی و نهایتاً انتخاب خواهد زد و اینجاست که دو اصل اساسی مطرحند. نخست اینکه دایره کشف اطلاعات، صحت و کاربرد آن، چه میزان بوده و دوم اینکه اصولاً در چه شرایطی انتخاب بهینه است و عقلانی. در این میان تحلیل نکته دوم مهم‌تر است.

در انتخاب بهینه نیاز نیست آینده را بی‌کم‌وکاست پیش بینی کنیم، بلکه برای تحقق یک تصمیم بهینه، فارغ از نتیجه حاصل از انتخاب، لحاظ مخاطرات بالقوه یا درجات اهمیت بخصوص خویش مکنی خواهند بود. به‌عنوان مثال فعالیت تجاری افراد در شرایط پاندمی موجود با رعایت کلیه پروتکل‌های بهداشتی اعلام شده، با توجه به اینکه تداوم فعالیت‌های اقتصادی برای جامعه و خانوار، فارغ از امنیت فرد دچار بیماری شود یا خیر، انتخابی بهینه و عقلانی است. درمقابل شرایطی است که فرد بدون رعایت پروتکل‌های اعلامی، در معرض ویروس قرار گیرد. در چنین شرایطی فارغ از اینکه فرد بیمار شود یا خیر (اقبال بد یا خوب در نتیجه)، در هر صورت وی به یک انتخاب غیربهینه و غیرعقلانی دست زده است. مهم اینجاست که این اقدام غیربهینه دیگر در دایره عقلانیت انسان اقتصادی و به تبع مدل‌های توریک اقتصاد نمی‌گنجد که در مطالعه تحرک جامعه مهم‌تر هم هست، چرا که با درصد قابل اغماضی نیز صورت می‌پذیرد. این مهم نمونه معیار مناسبی است تا اندیشمندان، پژوهشگران و کارشناسان اقتصادی با توسل به آن، عمق مطالعات اجتماعی- اقتصادی خویش را بسنجند. مطالعاتی که عقلانی بودن انتخاب‌ها و عملکردهای کلیه جوامع، مفروض مستتر یا آشکارشان بوده است، چرا که مدل‌های طراحی شده براساس تئوری‌های اقتصادی، صدرصد جوامع را حائز انتخاب عقلانی براساس تمایلات معلوم خویش، می‌دانند. خصوصاً اگر مطالعه حول تبعیت و پیروی از مکتوبات مکتب انتظارات عقلانی بوده باشد. براین اساس و طبق مثال مطرح‌شده پیش از این، تصمیم‌ساز در حوزه اقتصاد باید از این پس فارغ از تاثیرات فردی و یا جمعی مفاهیمی چون مطلوبیت شخصی و غیر آن، به درصد اتخاذ انتخاب بهینه و عقلانی در جوامع هدف تحت قیود نهادی و غیرنهادی پرداخته و آن را مهم بشمارند تا کارایی عملیاتی دستورالعمل‌های آنان را به واقعیت نزدیک‌تر و به اصطلاح بهینه شود.

اکنون زمان مناسبی است که به تاثیرات نکته اول نیز پرداخته شود. مشکلات اخلاقی حوزه اطلاعات و عدم شفافیت در بازارها می‌تواند به مثابه پوشاننده انتخاب در شرایط آرمانی هم باشد، به‌عنوان مثال در ترکیب صحیح و عینی این دو نکته مهم و در نتیجه دقیق موضوع بهتر است به بحث بورس و وقایع پیرامون آن در مدت اخیر اشاره کرد. این مهم نیازمند نگاهی از دو سوی میدان است. در دید دولتی که فارغ از ادله درست یا غلط خویش، بی‌محابا وارد سازگاری شد که باعث رشد بی‌بديل شاخص در این بازار شد، همیشه به وقت سوال، اقدامات غیرعقلانی، غیربهینه و کوتاه‌مدت‌نگرشانه برخی بازیگران حقیقی و حقوقی، علت ریزش‌های عمیق اخیر است و در مقابل اشخاص متضرر نیز درعین عقلانی دانستن تصمیم خویش در ورود به بازار پیرو تبلیغات دولت و حتی بهینه و منطقی دانستن اکثر معاملات صورت‌پذیرفتنی، دولت را حائز مشکلات مربوط به حوزه اخلاقی در ارائه اطلاعات و راهبرد دانسته و تبلیغات و عملکرد سوء و مفرضانه ایشان را بستر عدم شفافیت و تضرر خویش می‌دانند؛ بنابراین کاملاً روشن است که اقتصاد (خاصه در ایران) در مقام عمل و به دور از تئوری‌های معمول دچار شکستی اساسی است که لازمه رفع آن، شناخت مطالعاتی میزان بهینه‌مداری یک جامعه در مقام انتخاب درعین اصلاح مشکلات مربوط به حوزه اطلاعات، شفافیت، امکان‌سنجی رویکردها و درنهایت جلوگیری از تبلیغات و ریزش‌های سوء جزئی، صفتی و سیاسی است تا مدل‌های تئوریک اقتصادی، کارایی حداکثری داشته باشند و در نتیجه اقتصاد قابل شناخت و برنامه‌ریزی شود. در این میان، بهترین راهکار که بعضاً نیز تحت شرایطی در کشورهای دیگر نسبتاً موثر بوده، ایجاد امکان بروز و ظهور مراکز مستقل، پرقدرت و آکادمیک گسترده و درعین حال در دسترس (مجازی، تلویزیونی و رادیویی) جهت ارائه تحلیل‌های اقتصادی و تجاری به‌روز، آن هم به صورت فراگیر و رقیابتی برای عموم، به دور از تبلیغات همیشگی، معمول و مفرضانه دولت‌ها، احزاب سیاسی و فکری و نهایتاً شاهد تصوف تجاری و در نتیجه ایجاد روحیه عمیق، هوشمندانه بهینه‌مدارانه در نسل‌های مختلف مردم است که امید می‌رود بیش از پیش مدنظر قرار گیرد.



بررسی‌های «فرهنگ‌یختگان» نشان می‌دهد قیمت متوسط صادرات هر تن کالای غیرنفتی ایران از ۵۰۰ دلار در سال ۱۳۹۰ به کمتر از ۳۰۰ دلار در سال ۱۳۹۹ رسیده است

حاکمیت خام‌فروشی بر صادرات غیرنفتی



از یک میلیارد و ۲۳۰ میلیون دلار در سال ۹۰ به چهار میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار در سال ۹۸ رسیده است. در سال ۹۹ نیز تا پایان ۹ ماهه ابتدایی شاهد صادرات دومیلیارد و ۴۳۴ میلیون دلار مواد و منابع معدنی بوده‌ایم. در محصولات کشاورزی که از جنس تولیدات و صادرات کالاهای سنتی محسوب شده اعداد قابل توجهی ثبت شده و این توضیحات می‌توان ادعا کرد که حوزه حدود دومیلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رشد داشته است. صادرات محصولات کشاورزی در حالی ۱۶ درصد از کل ارزش صادرات کشور در سال ۹۸ را پوشش داده‌اند که این میزان در سال ۹۰ حدود هشت درصد بوده است. با احتساب میعانات گازی و گاز طبیعی در ردیف مواد خام و سنتی می‌توان برآورد کرد که در سال ۹۸ چیزی حدود ۵۰ درصد ارزش صادرات کشور در اختیار این محصولات بوده است. این نسبت در سال ۹۰ حدود ۱۵ درصد بوده، با این توضیحات می‌توان ادعا کرد که فروش کالاهای بدون ارزش افزوده در صادرات کشور افزایش داشته و ارزش این محصولات در سید صادرات کشور ۳۵ درصد پیشروی کرده است.

مطابق گزارش گمرک ایران، در ماه‌هایی از سال جاری، ارزش هر واحد کالای صادراتی از ۳۰۰ دلار نیز کمتر شده و به ۲۸۳ دلار رسیده که کمترین رقم طی ۱۰ سال اخیر است. این رقم به معنی افزایش خام‌فروشی و صادرات مواد و منابع خام در کشور است و بالا بودن وزن محصولات صادراتی نیز موید همین نکته است. علاوه بر تاثیر خام‌فروشی بر این رقم، تعدیل قیمت پایه‌های صادراتی نیز از جمله دلایل دیگر کاهش ارزش اقلام صادراتی کشور بوده است که البته این اقدام از نیمه اول سال ۱۳۹۸ اجرایی شده است. در اطلاعیه گمرک ایران در این خصوص آمده است: «در پی درخواست صادرکنندگان در ارتباط با افزایش هزینه‌های صادرات به دلیل مشکلات تحریم و بحث تعهدات ارزی (بازگشت ارز صادراتی) گمرک ایران با استفاده از ظرفیت‌های قانونی و طبق تبصره ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی، بربمنای تصمیم کمیته مشترک گمرک و دستگاه‌های ذربیط، میانگین پایه ارزش صادراتی را در سال ۱۳۹۸ حدود ۳۰ درصد تعدیل کرد. در مقابل ارزش پایین کالاهای صادراتی، ارزش بالای هر تن کالای وارداتی می‌تواند به واردات اقلام به ارزش افزوده بالا منجر شود که البته روند آن در سال‌های اخیر رو به کاهش بوده است و مجدد در حال نزدیک شدن به ۱۰۰۰ دلار هستیم. همچنین کاهش واردات اقدام لوکس و غیرضروری یکی دیگر از دلایل کاهش ارزش اقلام وارداتی در دو سال اخیر بوده است.»

به‌سرمی برد اما از سویی دیگر روند صادرات محصولات صنعتی نیز تفاوتی نکرده است و این فروش مواد خام در منابع دیگر و همچنین فروش کالاهای سنتی مثل کشاورزی است که در حال پرکردن این شکاف است. پایین بودن ارزش هر تن کالای صادراتی کشور، در مقایسه با ارزش هر تن کالای وارداتی و همچنین عدم تغییر محسوس در صادرات کالای‌های صنعتی موید «دامه خام‌فروشی» در اقتصاد ایران است.

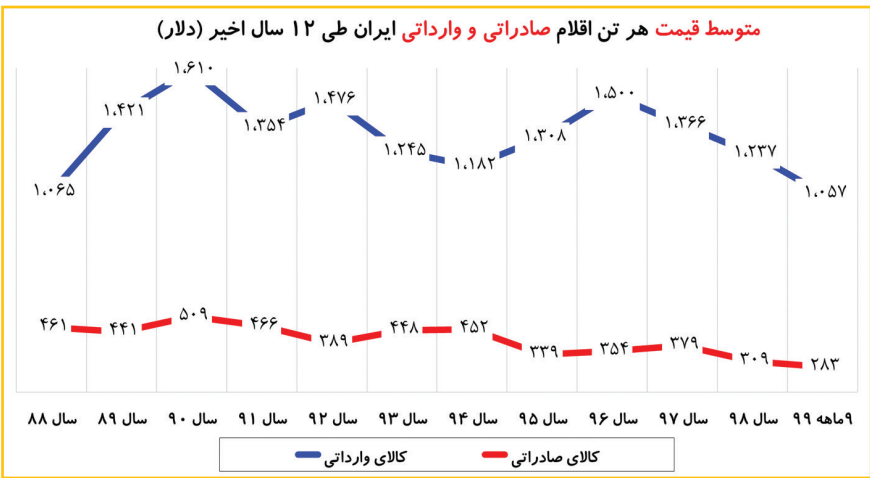
صادرات ارزان، واردات گران

براساس آخرین داده‌های گمرک ایران، در ۹ ماه ابتدایی سال جاری میزان واردات کشور ۲۷ میلیارد دلار و میزان صادرات نیز حدود ۲۵ میلیارد و ۳۳۷ میلیون دلار بوده است، به‌عبارتی دیگر، تراز تجاری کشور به میزان یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به‌نفع واردات است. با این حساب وزن صادرات در کل سه فصل ابتدایی اسما، ۸۷ میلیون تن بوده است. این عدد در قیاس با بازه مشابه سال گذشته افت ۱۳ درصدی را مخابره می‌کند. اما جالب اینجاست که میزان رازآوری این حجم صادرات، نسبت به سال گذشته ۲۴ درصد کاهش یافته است. بر این اساس، ارزش واحد هر تن کالاهای صادراتی ایران در ۹ ماه ابتدایی اسما، معادل ۲۸۳ دلار بوده که این عدد نسبت به بازه مشابه سال قبل، هشت درصد افت کرده است. ارزش هر تن کالای وارداتی در ۹ ماه ابتدایی اسما، برابر با ۱۰۵۷ دلار گزارش شده است؛ یعنی ارزش هر تن کالای صادراتی ایران کمتر از یک‌سوم هر تن کالای وارداتی است. کارشناسان معتقدند این اختلاف، به معنای آن است که صادرات و واردات کالاهای کشور از لحاظ ارزش افزوده به شدت نامتقارن هستند و کشور ما عمدتاً صادرکننده کالاهای خام یا کالاهای با یک پله ارزش افزوده است اما در مقابل محصولات وارداتی ارزش افزوده بسیار بالا داشته و عمدتاً نهایی هستند.

سقوط ۴۰ درصدی ارزش کالاهای صادراتی

اگر به روند ۱۰ ساله صادرات غیرنفتی نگاه شود، در سال ۸۸ ارزش هر تن کالای صادراتی کشور معادل ۴۶۱ دلار بوده است، این عدد در سال ۹۰ از مرز ۵۰۰ دلار نیز عبور کرده بود. اما در سال‌های بعدی نتوانست به این سطح برسد و طی سال‌های ۹۰ تا ۹۵ در کانالی نزولی قرار گرفته بود و در نهایت از سال ۹۵، ارزش هر تن کالای صادراتی کشور به زیر ۴۰ دلار سقوط کرد. در یک قیاس ۱۰ ساله، ارزش هر تن کالای صادراتی کشور در ۹ ماه ابتدایی سسال جاری نسبت به ارزش کالاهای صادراتی در سال ۸۸، حدود ۴۰ درصد افت کرد؛ درحالی که در همین بازه، ارزش هر تن کالای وارداتی تغییر چندانی نکرده است.

ارزش دلاری محصولات صادراتی کشور در ۵ سال متفاوت (میلیون دلار)	سال / بخش	۱۳۹۰	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
کشاورزی	۶۲۱	۴۶۰	۳۰۸	۱۵۴	۹۹	
کشاورزی	۳۰۵۱	۳۰۴	۳۰۷۴	۵۰۰۶	۴۰۵۱	
معادن	۱۰۳۰	۲۰۱۳۸	۱۰۴۷۷	۴۰۳۹۷	۲۰۴۳۵	
نفت و گاز (گاز طبیعی و میعانات گازی)	۰	۹۰۵۷۴	۹۰۴۹۱	۶۰۳۰۱	۴۰۶۸۸	



متوسط قیمت هر تن اقلام صادراتی و وارداتی ایران طی ۱۲ سال اخیر (دلار)

حتی برخی دانش‌بنیان‌ها نیز خام‌فروشنند

سیدحمید حسینی، عضو اتاق بازرگانی و نایب‌رئیس اتاق مشترک ایران و عراق درخصوص دلایل کاهش قیمت اقلام صادراتی کشور طی هشت‌سال اخیر به این مهم اشاره دارد که به‌صورت تاریخی ارزش هر تن کالای وارداتی در کشور ماچهار تا شش برابر ارزش هر تن کالای صادراتی بوده که نشانگر صادرات بالای مواد خام و با ارزش افزوده پایین است. ارزش هر تن کالای صادراتی کشور به‌طور تاریخی در حد فاصل ۴۰ تا ۴۵ دلار بوده که در سال‌های اخیر کاهش نیز داشته است.

حسینی اضافه می‌کند: «تنها کشوری که به آن کالاهای مصرفی یا به‌عبارتی با ارزش افزوده بالا صادر می‌کنیم، عراق است. میانگین وزنی صادرات ما به این کشور حدود ۲۰ میلیون تن و ارزش آن نیز براساس آخرین اطلاعات هفت میلیارد دلار بوده که ارزش هر تن کالای صادراتی ما به این کشور را حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ دلار نشان می‌دهد که بالاتر از کشورهای دیگر است.» نایب‌رئیس اتاق مشترک ایران و عراق ادامه می‌دهد: «ارزش پایین کالاهای صادراتی کشور نشان می‌دهد که حتی در صورت عدم خام‌فروشی، درنهایت یک مرحله این کالاها در صنایع چرخه‌ای و تکمیلی حضور داشته‌اند. کشور ما در حال حاضر مقدار زیادی مواد معدنی، شمش فولاد و دیگر مواد خام را صادر می‌کند که نتیجه آن بالا بودن وزن کالاهای صادراتی (حدوداً پنج‌برابر محصولات وارداتی) و پایین بودن ارزش آن است. در مثال‌های دیگر، صادرات میوه و محصولات تره‌بار و همچنین کودهای شیمیایی مانند اوره قابل توجه بوده که وزن‌های زیادی دارند اما رازآوری چندانی برای کشور نخواهند داشت.» حسینی ادامه می‌دهد: «کاهش ۳۰ درصدی ارزش پایه‌های صادراتی در سال گذشته نیز بر کاهش ارزش کالاهای صادراتی بی‌تاثیر نبوده و در برخی موارد ممکن است رقم دقیق‌واقعی را نیز نشان ندهد. در واقع با تخفیفات پایه‌های صادراتی ممکن است ارزش کالاهای صادراتی پایین‌تر از قیمت صادراتی ثبت شده باشد.» حسینی درمقابل افت ارزش کالاهای وارداتی در سال ۹۹ را چنین توضیح می‌دهد: «در دو سال اخیر به دلیل مشکلات اقتصادی و اعمال محدودیت‌های وارداتی، عموماً کالاهای غیرلوکس و معقول‌تری به کشور وارد شده و همین عاملی برای کاهش ارزش کالاهای وارداتی بوده است.» این کارشناس تجارت خارجی می‌گوید: «در کشور ما ترجیح بر این است که کالا بدون ارزش افزوده صادر شود که نمی‌توان اسم آن را رازآوری و صادرات گذاشت. ظرفیت در کشور ما صادرات کردن کالاهای مصرفی به‌خصوص به کشورهای عربی بالاست اما باید از ظرفیت‌های اقتصادی از طریق ابزارهایی مانند فروشگاه‌های زنجیره‌ای، برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی و... استفاده کرد.» به گفته حسینی علاقه به خام‌فروشی در کشور به حدی بالاست که بعضاً شرکت‌های دانش‌بنیان که بودجه‌هایی چندین‌برابری نسبت به دیگر نهادها دارند نیز تحت‌عناوینی مختلف به صادرات مواد خام و معدنی مشغولند. حسینی در پایان اضافه می‌کند: «با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در صنعت فولاد و پتروشیمی و... اگر عبق بیشتری در این صنایع ایجاد نشود، احتمال این می‌رود که مزیت‌های صادراتی ایران برای رقابت با دیگر کشورها کاهش پیدا خواهد کرد.»